



۵ فیلم سینمایی الهام‌بخش برای مدرسان

تماشای فیلم‌های سینمایی الهام‌بخش، به‌ویژه آنهایی که کمتر تخیلی‌اند و بیشتر ریشه در واقعیت دارند، همواره جذاب بوده و هست. پیش‌ازاین درباره فیلم‌های سینمایی مربوط به کارآفرینی و کسب‌وکار مقالاتی در مدیر سبز منتشر کرده بودیم. این بار سراغ چند فیلم الهام‌بخش برای مدرسان می‌رویم. ایده‌ای که مرتبا در این دسته از فیلم‌ها تکرار می‌شود خلاقیت در آموزش و شجاعت در تدریس است.

خلاقیت در آموزش یعنی در انداختن طرحی نو در انتقال مفاهیم و پرهیز از تکرار ملال‌آور اطلاعاتی که قبلا هزاران بار توسط برخی مدرسان بی‌ذوق برای فراگیران روایت شده‌اند. اما ارائه خلاقانه محتوای آموزشی شجاعت می‌خواهد. سیستم آموزش محافظه‌کار است و بدون شجاعت قادر به نوآوری در تدریس نخواهد بود. بیایید ببینیم داستان شجاعت و خلاقیت این مدرسان چگونه رقم خورده است.



۱. بخشندگی و بزرگواری را ترویج کنید

دیدن فیلم بحث‌برانگیز Pay It Forward (بعدا جبران کن) اگرچه آسان و دلپذیر است، داستان آن را به گونه‌های مختلفی می‌توان تفسیر کرد. یک تفسیر این است که این داستان نشان می‌دهد گاهی فقط یک جمله، فقط یک مشق شب، فقط یک پروژه چطور می‌تواند زندگی دانش‌آموزان یا دانشجویان یک آموزگار را دگرگون کند. کافی است، درسی که یک آموزگار ارائه می‌دهد یا مشقی که از آنها می‌خواهد، از بین همه فراگیران، خلاقیت فقط یکی از آنها را شکوفا کند، آن وقت زندگی خیلی از افراد جامعه - دست‌کم جامعه محلی که آموزگار در آن زندگی می‌کند - دستخوش تغییر و تحول می‌شود.

در یک نگاه متفاوت به داستان فیلم، می‌توانیم تاثیر این ایده را که «بخشندگی اگر بجا و آگاهانه باشد، بدون بازگشت نمی‌ماند» ببینیم. اگرچه شخصیت اصلی اینجا دانش‌آموز قصه است، ولی اگر خوب دقت کنیم، شعار «بعدا جبران کن» جوهر اصلی پیام و انگیزه محوری بسیاری از مدرسان دلسوز در طول زندگی است. ممکن است کار ارزشمندی را که یک مدرس خوب و دلسوز برای فراگیران انجام می‌دهد، آنها نتوانند

هیچ وقت برایش جبران کنند، اما بعدا می‌توانند با تکرار همان درجه از بخشندگی به دیگران در جامعه، جبران کنند.



۲. دم را غنیمت بشمارید

فیلم سینمایی Dead Poets Society (انجمن شاعران مرده) یک روایت شاعرانه و عاشقانه از زندگی است. داستان تاثیر عمیقی که یک معلم ادبیات روی دانش‌آموزان کلاس درسش باقی می‌گذارد. او می‌خواهد به دانش‌آموزانش بیاموزد که زندگی فراتر از زنده بودن و زیستن است. آقای جان کیتینگ از آنها می‌خواهد که دم را غنیمت بشمارند، جوهر درونی خود را بیابند و برای شکوفایی این بذر بکوشند. روش‌های غیرمتعارفی که او برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به رشته ادبیات و شعر در پیش می‌گیرد، زندگی این نوجوانان را به کلی دگرگون می‌کند و پیامدهای زیادی به بار می‌آورد که برخی مثبت و برخی دیگر منفی هستند.

فیلم نشان می‌دهد که مدرسی که عاشق کارش باشد می‌تواند تا ژرفای اندیشه و طرز

فکر مخاطباننش را دگرگون کند. فیلم درعین حال نشان می‌دهد که نوآوری در آموزش درجه بسیار بالایی از شجاعت را می‌طلبد. هنوز بعد از سال‌ها گذشت زمان از اکران این فیلم، پژواک جمله Carpe Diem (معادل لاتین «دم را غنیمت بشمار» در دوران روم باستان) همچنان در حافظه دنیای سینما طنین‌انداز است.

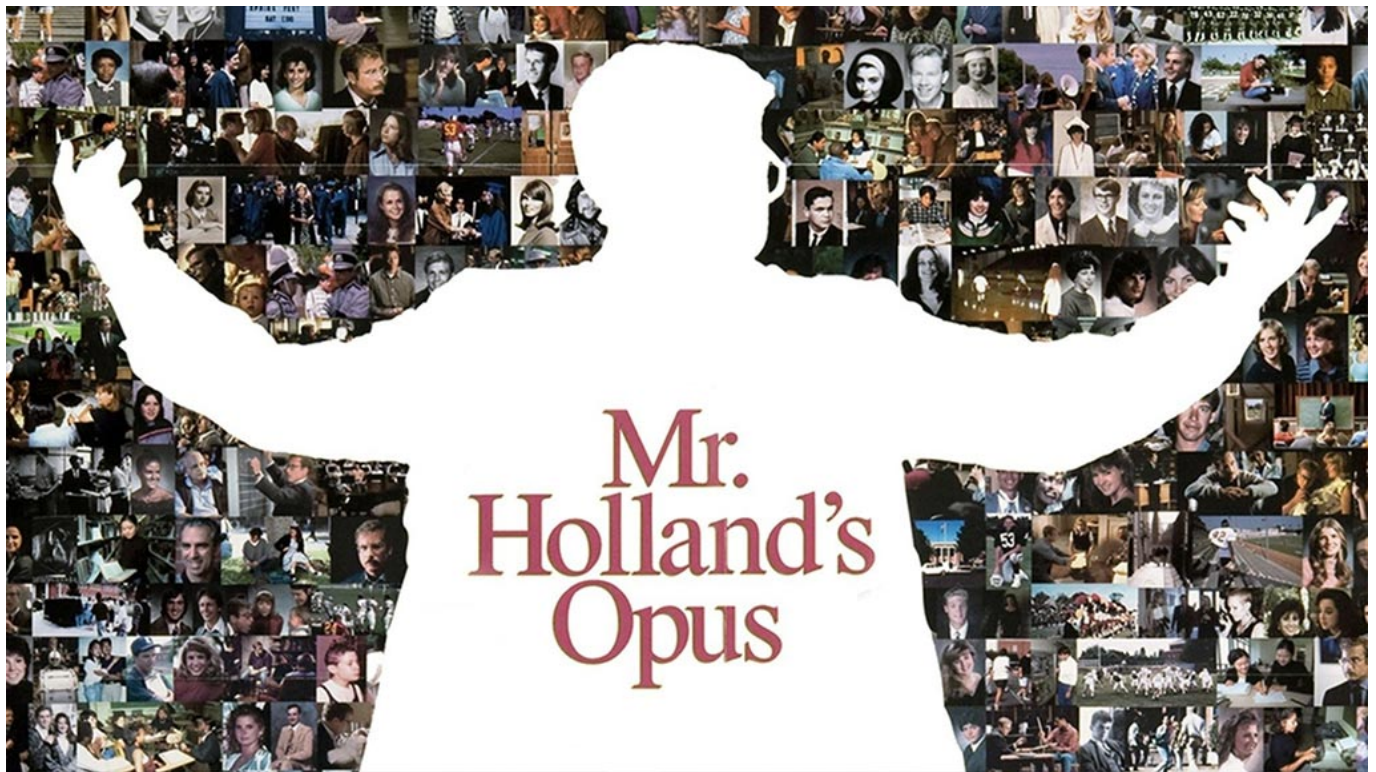


۳. با مخاطب صمیمی و صادق باشید

فیلم Dangerous Minds (ذهن‌های خطرناک) که برخلاف نامش اصلاً فیلم خطرناکی نیست (!) داستان دلنشین یک معلم ادبیات است که به طور ناخواسته به کلاس درس یک مشت دانش‌آموز شرور، خلاف‌کار و درس‌نخوان گماشته می‌شود. او در ابتدا درمانده می‌شود. اما به تدریج کشف می‌کند که کلید برقراری ارتباط با مخاطباننش صداقت و صمیمیت است.

او می‌کوشد به جای کشاندن دانش‌آموزان به فضای ذهنی موردنظرش، ابتدا خودش به فضای ذهنی آنها نزدیک شود و مسائل را از پرسپکتیو آنها ببیند. اوج قدرت

ارتباط‌گیری خانم معلم لوئن جانسون آنجایی است که او به زبان ساده یکی از مهم‌ترین خصوصیات مغز انسان در زمینه یادگیری را این‌طور برای دانش‌آموزانش بیان می‌کند: «می‌دونید؟ مغز درست مثل یک عضله است و اگر می‌خواهید به خوبی فعالیت کنه باید ازش کار بکشید. هر حقیقت جدیدی که درک می‌کنید موقعیت جدیدی براتون می‌سازه. هر ایده جدیدی که به مغزتون می‌رسه انگار که یه ماهیچه جدید ساخته می‌شه و همین عضله‌ها هستند که ذهن شما رو واقعا قوی‌تر می‌کنند.»

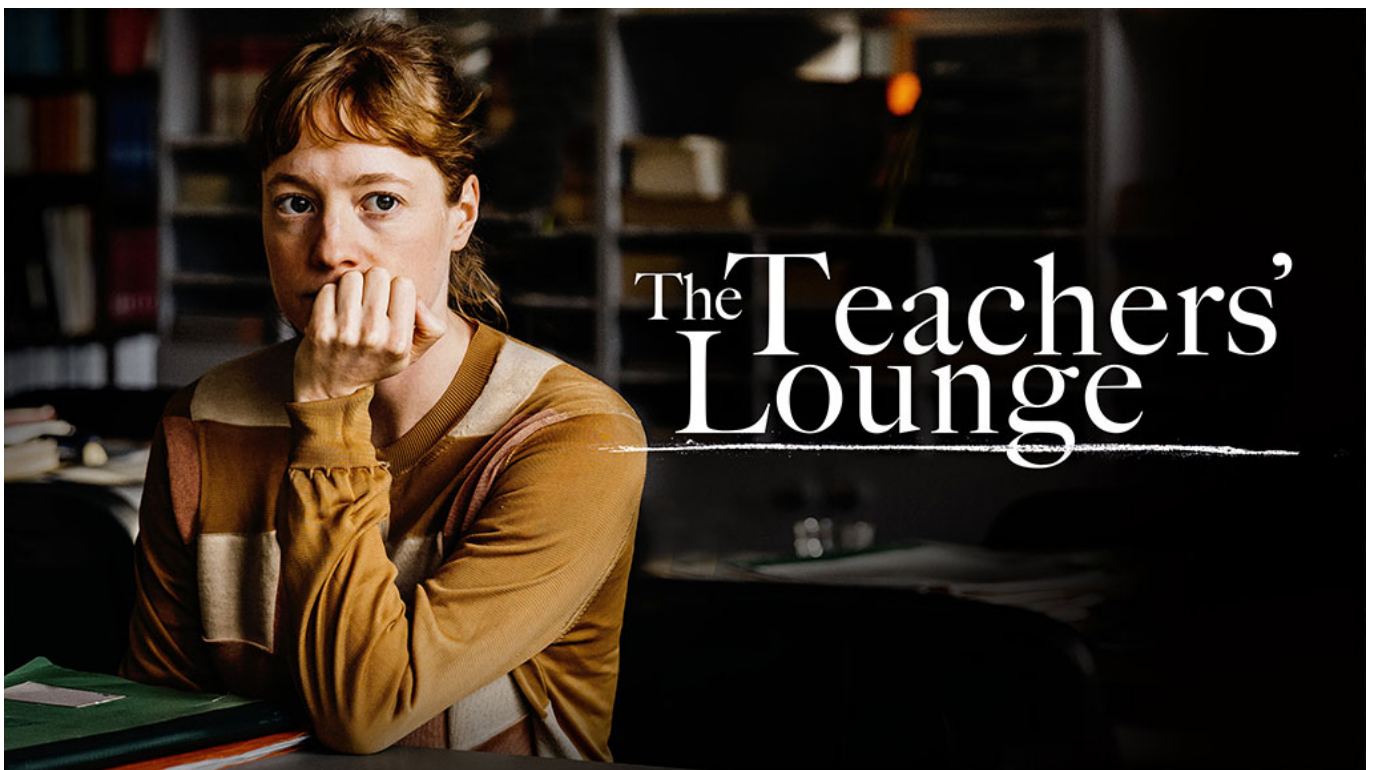


۴. سنت‌های آموزشی را با نوآوری در محتوا رنگ آمیزی کنید

فیلم Mr. Holland's Opus (اثر هنری آقای هلند) روایت دلنشین یک موزیسین و آهنگ‌ساز است که تصمیم گرفته مدتی به تدریس موسیقی در مدرسه روی بیاورد تا فرصت بیشتری برای کار روی نوشتن یک قطعه سمفونی پیدا کند، غافل از اینکه تدریس به دانش‌آموزان کاری است بسیار دشوار که وقت و انرژی چندانی برایش باقی نخواهد گذاشت.

این داستان نشان می‌دهد که سیستم سنتی آموزشی در مدرسه که مبتنی بر آموزش دیسپلین و نظم به دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون (از جمله در موسیقی) است، به‌تنهایی جواب نمی‌دهد و شیوه سنتی تدریس موسیقی که بر آموزش موسیقی کلاسیک (موتسارت و بتهوون و باخ و...) استوار است برای هنرجویان عصر جدید ملال‌آور است.

آقای هلند در خلال تدریس کشف می‌کند که این بچه‌ها به موسیقی راک علاقه دارند و این کلید جلب اشتیاق، توجه و همکاری آنهاست. اما چالش آقای هلند این است که سیستم آموزشی سخت‌گیر، انعطاف‌ناپذیر و سنتی مدرسه را قانع کند مانع او در استفاده از محتوای موسیقایی جدید (ملودی‌های راک) نشود و درعین‌حال از موسیقی کلاسیک که دستور مدرسه و علاقمندی اصلی خود اوست نیز استفاده کند.



۵. فراگیران عصر جدید مخاطبانی باهوش و ناشناخته هستند

این فهرست را با یکی از جدیدترین فیلم‌هایی که درباره زندگی معلمان به اکران درآمد

به پایان می‌بریم. فیلم سینمایی The Teachers' Lounge (اتاق معلمان) اثر کشور آلمان یک اثر بحث‌برانگیز است که از جهات گوناگون قابل تفسیر است. یک تفسیر این است که نگاه ما به دانش‌آموزان و فراگیران همچنان قدیمی است: آنها را منفعل می‌پنداریم و گمان می‌کنیم می‌توانیم آنها را به فرم دلخواه آموزگار شکل بدهیم. جوانان عصر جدید متفاوت‌اند و از این‌رو مخاطبانی ناشناخته برای مدرسان هستند.

داستان فیلم، سیستم آموزشی بسیار مدرن آلمان در مقطع مدرسه را نمایش می‌دهد؛ اما در عین حال نشان می‌دهد که این سیستم مدرن با وجود در نظر گرفتن همه تمهیدات آموزشی، همه اصول روان‌شناسی و همه مقررات سخت‌گیرانه درباره‌شان دانش‌آموز، شان معلم و حریم شخصی هر کدام، ممکن است حریف اتفاق به ظاهر ساده‌ای مثل «سرقت در مدرسه» نشود، زیرا بزرگسالانی که باید الگوی جوانان باشند، خود به آسانی دچار لغزش و خطا می‌شوند. پس چگونه می‌خواهند سرمشق جوانان باشند؟ اتفاقات فیلم یکی پس از دیگری، معلم قصه را با بهت، حیرت و درماندگی روبرو می‌کند.

تمام این تشکیلات حساب شده آموزشی قادر به حل یک مشکل ساده نیست، چون اقتدار اخلاقی خودش زیر سوال است. در ایام قدیم چنین مشکلی را احتمالاً با چند سیلی می‌خواستند حل کنند. طی دهه‌های اخیر این روش‌ها البته منسوخ شده‌اند. اما گویا روش‌های مدرن هم به تازگی از کار افتاده‌اند و هرچه به پایان فیلم نزدیک‌تر می‌شویم، این نکته که گویا «فراگیران عصر جدید، مخاطبانی باهوش و ناشناخته هستند» بیشتر خودنمایی می‌کند.